

بسم الله الرحمن الرحيم

درس اول:

پیشگفتار

شخصیت اخلاقی امام خمینی

امام خمینی؛ شخصیتی چند بعدی است. عموماً ایشان را به عنوان رهبری بزرگ می‌شناسند که انقلاب اسلامی ایران را رهبری کرد و با ساقط کردن نظام استبدادی شاهنشاهی نظام جمهوری اسلامی ایران را بنیانگذاری کرد و یک دهه رهبری و هدایت آن را بر عهده داشت.

امام خمینی علاوه بر بعد سیاسی - اجتماعی، عالمی جامع، فقیهی بزرگ، مرجع تقلید میلیون‌ها نفر از شیعیان، استاد بزرگ فلسفه در حوزه علمیه قم و نیز عارفی بزرگ با آثار متعدد و ارزشمند در رشته عرفان می‌باشد.

اما این شخصیت بزرگ و عالم بزرگوار ویژگی ممتاز دیگری نیز داشت و شخصیت ایشان در کنار ابعاد ذکر شده، بعد دیگری نیز داشته که بعد «اخلاقی» می‌باشد. امام خمینی هم عالمی مهذب و خودساخته بوده که همواره دوشادوش تحصیل - که سخت به آن اهتمام داشته - به تهذیب نفس و خودسازی اهتمام می‌ورزیده است. به گونه‌ای که فعالیت‌های علمی ایشان در همه ادوار تحصیل، تدریس و تألیف به هیچ عنوان از تهذیب نفس و خودسازی خالی و عاری نبوده است و ایشان همه فعالیت‌های علمی را در نهایت اخلاص انجام می‌داده و به عبادت عشق می‌ورزیده و دارای زندگی ساده و بسیار زاهدانه‌ای بوده است.

تألیفات

یکی از توفیقات مهم امام خمینی که خود ویژگی ممتازی برای ایشان می‌باشد، توفیق تألیف و نوشتن ده‌ها جلد کتاب علمی در رشته‌های مختلف و متنوع علوم اسلامی می‌باشد. یعنی ایشان تنها یک عالم با سواد بالا و یا مدرسی توانا با شاگردان فراوان نبوده‌اند، بلکه با سرمایه علمی فاخری که تحصیل کردند و بیش از نیم قرن علوم گوناگونی را تدریس کردند، با قلم توانایی که داشتند آثار علمی فراوان و ارزشمندی از خود برجای گذاشتند که بخش مهم و قابل توجهی از آن به «معنویت و اخلاق و عرفان» مربوط می‌شود. شاید برای سخن گفتن و نوشتن درباره شخصیت اخلاقی امام خمینی ناگزیر باشیم سه گانه: «معنویت، اخلاق و عرفان» را با هم و در کنار هم بکار ببریم.

توضیح اینکه هدف و غایت در عرفان و نیز در اخلاق قرب به حق تعالی و سیر و سلوک معنوی و

رسیدن به کمالات و مقامات معنوی است. هم عالم اخلاقی در مباحث علمی اخلاق به دنبال این هدف است و هم عارفی که در عرفان علمی - اعم از عرفان نظری و عرفان عملی - فعالیت می‌کند، همین هدف را دارد. چنانکه هم فرد متخلق به اخلاق الهی در پی قرب به حق و نیل به کمال است و هم عارف سالکی که سال‌ها در سیر و سلوک به عبودیت اشتغال و اهتمام دارد، خواهان قرب به حق و نیل به کمال است، و همه اینها در نهایت در مسیری سیر می‌کنند که پرده‌های عالم ماده را پاره می‌کنند و در عالم معنا زندگی معنوی آرام و آرامش‌بخشی را خواهند داشت.

امام خمینی هم اگر کتاب عرفانی و اخلاقی می‌نوشت و یا اگر سال‌ها روزهای پنج‌شنبه و جمعه برای علاقمندان کمالات معنوی، درس اخلاق می‌گفت، در پی تربیت معنوی خود و دیگران بوده است. اگر کتاب‌های: ۱- شرح دعای سحر، ۲- تعلیقه بر فوائد رضویه قاضی سعید قمی، ۳- تعلیقه بر شرح فصوص قیصری، ۴- تعلیقه بر مصباح الانس فناری، ۵- مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، ۶- سرالصلاه؛ کاملاً عرفانی می‌باشند و مطالب و مسائل فراوانی از عرفان نظری و عرفان عملی و طریقه سیر و سلوک، در آنها بیان شده و تبیین گردیده، کتاب‌های: ۱- آداب الصلوه، ۲- شرح چهل حدیث یا اربعین حدیث، ۳- شرح حدیث جنود عقل و جهل؛ بیشتر صبغه اخلاقی دارند، گرچه جا نمایه عرفانی دارند و مطالب و تبیین‌های عرفانی زیادی در آنها هم آمده است.

پس «معنویت» برای او اصل و هدف و مقصد بوده که به تناسب مخاطب و موقعیت جنس و سطح مباحث و مطالب انتخاب می‌کرد.

درس اخلاق

امام خمینی که بیست سال اول سکونت و زندگی علمی او در قم، دوره سخت و طاقت‌سوز حکومت استبدادی و ضددینی رضا شاه پهلوی بوده، از چنان انگیزه و تعهد و مسئولیت‌شناسی ارزشمندی بهره‌مند بوده که از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۳ ش کتاب‌های نام‌برده را به رشته تحریر در آوردند و علاوه بر آن، در کنار تهذیب نفس و ساختن جان عزیز خود؛ به فکر «دیگرسازی» هم بودند و از سال ۱۳۱۵ ش تا ۱۳۲۳ ش به مدت هشت سال به عنوان معلم اخلاق و مربی نفوس و راهنمای سیر و سلوک سالکان کوی دوست شناخته می‌شد.^۱ همان درس‌هایی که اسلام‌شناس بزرگ و شاگرد برجسته حضرت امام، استاد شهید

آیت‌الله مرتضی مطهری (قدس سره) آن درس‌های اخلاق را این‌گونه توصیف می‌کند:

«درس اخلاقی که وسیله شخصیت محبوبم در هر پنج‌شنبه و جمعه گفته می‌شد و در حقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود، نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا سرمست می‌کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای این درس مرا آن‌چنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد خودم را شدیداً تحت

۱. ر.ک: شرح چهل حدیث، مقدمه ناشر، ص ۷ و آثار الحجه ج ۲، ص ۴۵.

تأثیر آن می‌یافتم. بخش مهمی از شخصیت فکری و روحی من در آن درس - و سپس در درس‌های دیگری که در طی این دوازده سال از آن استاد الهی فرا گرفتم - انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم. راستی که او «روح قدسی الهی» بود.^۱

اگرچه آخرین کتاب اخلاقی امام خمینی جلد اول کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل است که تألیف آن در سال ۱۳۲۳ ش به پایان رسیده و متأسفانه جلد بعدی نوشته نشده، و درس اخلاق ایشان هم در همان سال ۱۳۲۳ به آخر رسید و در سال‌های بعد درس اخلاق مرتب و هفتگی از ایشان گفته و گزارش نشده است، ولی اهتمام ایشان به اخلاق طلاب و فضلا و عموم حوزویان تعطیلی و توقیفی نداشته است. شاگردان درس‌های خارج فقه و اصول ایشان، در دهه سی شمسی از مواعظ و تذکرات و تنبیهات اخلاقی ایشان به مناسبت‌ها، مانند آغاز و پایان سال تحصیلی و یا مناسبت تبلیغی حوزه در ماه محرم، صفر و ماه مبارک رمضان، گزارشات و توصیفات شنیدنی و دل‌نشینی دارند. چنانکه ایشان این سیره پسندیده را در سال‌های اقامت در تبعید در حوزه علمیه نجف هم ادامه دادند و در مناسبت‌ها مواعظ بلیغ و نصایح سازنده‌ای را بیان می‌کردند که کتاب «جهاد اکبر» فراهم آمده از آن بیانات اخلاقی سازنده می‌باشد.

از آنجایی که «اخلاق» و «خودسازی» برای انسان همواره مهم و ضروری بوده و می‌باشد و به خصوص ادیان الهی به آن اهتمام فراوانی داشتند و در این میان اسلام به عنوان خاتم‌الادیان بخش زیادی از تعالیم و توصیه‌های خود را به موضوع اخلاق اختصاص داده و در آیات نورانی قرآن و احادیث گرامی پیامبر اکرم⁶ و ائمه هدی: توصیه‌ها و دستورات اخلاقی جایگاه ویژه‌ای دارند. سزاوار، بلکه لازم است همه ما از گنجینه علمی و عملی امام خمینی - این عالم ربانی و اخلاقی - بهره‌گیریم و قدمی برای خودسازی و اصلاح جان‌ها برداریم که اصلاح جامعه و جهان در گرو خودسازی و اصلاح جان می‌باشد و این همان حقیقتی است که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**^۲ به همین منظور در جزوه پیش‌رو با بهره‌گیری از کتاب‌های اخلاقی امام خمینی و نیز سیره اخلاقی ایشان مباحثی درباره اخلاق و بعضی از فضائل و مکارم اخلاقی و برخی از رذائل و قبایح اخلاقی، تقدیم می‌گردد؛ باشد که به فضائل آراسته گردیم و جان خویش را از رذائل و قبایح پیراسته سازیم و از این رهگذر جامعه‌ای با شهروندان اخلاقی و مهذب تشکیل دهیم و خود را به هدف رسالت خاتم‌الانبیاء⁶ نزدیک سازیم که حضرتش فرمودند فلسفه بعثتم پدید آوردن جامعه‌ای اخلاقی است که در آن مکارم اخلاقی به برترین رتبه‌ها و عالی‌ترین جایگاه‌ها ارتقا یابد. «أَمَّا بَعثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَامَ الْأَخْلَاقِ»^۳

۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج یک، ص ۴۴۱.

۲. رعد (۱۳): ۱۱.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰، و ج ۷، ص ۳۷۲.